

واردات کالا به صورت مزایده‌ای، تسلط قاچاقچیان بر بازار را از بین می‌برد

اشاره:

اقتصاد کشور با وجود تنگناهای مختلفی که به‌ویژه از جانب کاهش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت با آن روبه‌رو است، نیازمند قانونمندی‌های جدیدی است که بتواند از درآمدهای پایدار و سالمی بهره‌مند شود.

در سال جاری کسری بودجه دولت و تنگناهای ناشی از کمبود ارز بر اقتصاد کشور سایه افکنده است. در این شرایط بحرانی، معضلاتی نظیر قاچاق کالا از هدایت منابع انسانی و سرمایه‌های جامعه به سمت فعالیت‌های مولد اقتصادی جلوگیری می‌کند و فشارهای وارده بر درآمدهای دولت و نیز مردم را تشدید می‌کند. لذا چاره‌اندیشی برای مبارزه جدی با این پدیده زیانبار، ضرورت دارد.

خبرنگار نشریه «بررسی‌های بازرگانی» در گفت‌وگو با **آقای دکتر شمس اردکانی** از تحلیلگران مسایل اقتصادی و مشاور عالی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، عمده‌ترین معضلات ناشی از بروز و گسترش پدیده قاچاق بر اقتصاد کشور و راه‌های عملی و اقتصادی برای مبارزه با آن را جویا شد. ماحصل این گفت‌وگو چنین است:

دولت نتواند به‌طور مستمر با قاچاق کالا مبارزه کند، دولتی بودن اقتصاد کشور است، چون امکانات دولت درگیر فعالیت‌هایی شده که با اعمال حاکمیت دولت تناسب ندارد.

جلوگیری از قاچاق جزو وظایفی است که با «اعمال حاکمیت» دولت رابطه مستقیم دارد و چون بودجه، سرمایه، پول و امکانات دولت در اموری مصرف می‌شود که مربوط به «تصدی» است، بنابراین بودجه دستگاه‌هایی که به دنبال «اعمال حاکمیت» هستند، به قدری اندک است که برخی مواقع به دنبال کسب و کار می‌روند و کاسبی آنها باعث می‌شود که به راحتی از دیوار گمرکی گذر کنند. در نتیجه کسانی که باید حاکمیت دولت را در

کشوری که با محدودیت ارزی مواجه است و بیشتر صنایع آن نوپا است، دیوارهای گمرکی برداشته شود؟ بدیهی است خیر. پس چاره این است که با قاچاق کالا مبارزه شود. در اینجا یک سؤال پیش می‌آید که آیا مبارزه فیزیکی با قاچاق امکان‌پذیر است؟ کشوری که مرزهای طولانی دارد و امکانات مادی آن برای مبارزه با قاچاق محدود است، امکان مبارزه فیزیکی با قاچاق را هم از دست می‌دهد.

■ چرا مبارزه فیزیکی با قاچاق کالا به‌طور مستمر انجام نمی‌شود؟ دولت در این زمینه تاکنون چه اقداماتی انجام داده است؟

□ یکی از عواملی که سبب می‌شود

■ قاچاق کالا به چه عواملی بستگی

دارد؟

□ موضوع قاچاق کالا چند جنبه دارد که مهم‌ترین آن قدرت خریدی است که از کالاهای موجود در بازار ارضا نمی‌شود. در نتیجه واردکنندگان کالای قاچاق از این امر استفاده می‌کنند و سودهای کلانی می‌برند.

از جنبه تقاضا در جامعه، قدرت خرید برخی از مردم به اندازه‌ای است که به خرید کالای قاچاق رو می‌آورند. در نتیجه کالای قاچاق بازار خود را در پشت دیوارهای گمرکی پیدا می‌کند.

اگر دیوارهای گمرکی برداشته شود، قاچاق کالا مفهوم خود را از دست می‌دهد. اما آیا مصلحت هست برای

رابطه با جلوگیری از قاچاق اعمال کنند، در این مبارزه سست می‌شوند و گاهی به اعمالی دست می‌زنند که زیاد مورد پسند شرع و عقل نیست. پیشنهاد می‌کنم دولت با قدرت و شدت از تأسیس دستگاه‌های اقتصادی در وزارتخانه‌ها و سازمان‌هایی که مشمول «اعمال حاکمیت» هستند، به نحو ممکن جلوگیری کند.

اقدام دیگری که دولت در زمینه مبارزه با قاچاق کالا باید انجام دهد، این است که اجازه دهد کالاهایی که در کشور کشت تقاضای مطلوبی دارد، با

پرداخت تعرفه وارد شود. برای مثال کشوری که نمی‌تواند به اندازه کافی ضبط صوت تولید کند، اگر برای ورود آن دیوارهای بلند گمرکی درست کند، بازار قاچاق را دامن می‌زند.

چنانچه یک کالا با مجوز وارد کشور شود، دولت به راحتی می‌تواند از واردات آن مالیات اخذ کند و به موازات آن تولید صنایعی را که جاذبه قاچاق دارند، افزایش دهد. از سوی دیگر تولید برخی کالاها در کشور صرفه اقتصادی ندارند، دولت می‌تواند مجوز ورود این نوع کالاها را به صورت مزایده‌ای بدهد. کسانی که در بازار آن کالاها فعالیت دارند، می‌دانند تا چه حدی وارد مزایده شوند که ضرر نکنند.

بنابراین دولت به جای آنکه سیاست خود را بر اساس تعرفه‌های گمرکی ۳۰۰ درصد یا بیشتر تنظیم کند، می‌تواند ورود آن کالا را به صورت مزایده‌ای بدهد. در این صورت است که بازار از دست قاچاقچیان کالا گرفته می‌شود. اصولاً زمانی قاچاق کالا در یک جامعه رواج پیدا می‌کند که برای آن کالا تقاضا وجود دارد.

قاچاق کالا به دلیلی که گفته شد در تمام دنیا دیده می‌شود و به طور فیزیکی نمی‌توان آن را مهار کرد. برای مثال آمریکا نتوانست در مرز مکزیک قاچاق را مهار کند، در نتیجه مجبور شد با مکزیک اتحادیه گمرکی تشکیل دهد. مسأله مبارزه با قاچاق یک راه حل غیرفیزیکی دارد و باید از طریق اقتصادی حل شود.

○ دولت به جای اعمال سیاست تعرفه‌های گمرکی بیش از ۳۰۰ درصد، بهتر است برای کالاهای خارجی که کشتش تقاضا وجود دارد، اجازه ورود به صورت مزایده‌ای صادر کند تا بازار را از تسلط قاچاقچیان کالا فارغ نماید.

اصولاً تقاضا مشکل قاچاق کالا را در جامعه پدید می‌آورد و عامل بروز آن از «طرف تقاضا» است. باید دید «طرف عرضه» چه می‌تواند بکند. عرضه اصولاً در اختیار کسانی است که کالا را از خارج می‌آورند و بدون پرداخت عوارض گمرکی، آن را در بازار عرضه می‌کنند. آورندگان کالاهای قاچاق، یک هزینه مخاطره (ریسک) دارند که این هزینه به مراتب کمتر از حقوق گمرکی و سود بازرگانی است که باید پرداخت کنند. در نتیجه پذیرش مخاطره (ریسک) امری طبیعی است. اگر کالایی به طور کلی ممنوع باشد و قیمت آن در بازار داخلی سه برابر بازار خارجی باشد، ممکن است قاچاق آن یک خطر (ریسک) حداکثر ۱۰۰ درصد باشد، ولی سود متصور ۳۰۰ درصد است. در نتیجه تا زمانی که این سود سرشار وجود دارد، قاچاق کالا ادامه خواهد داشت.

به نظر من باید کالاهایی که خلاف شرع نیست و حرام محسوب نمی‌شود و امنیت ملی را به خطر نمی‌اندازد، با مجوز دولت به طوری که دولت متصدی آن

نباشد، به صورت مزایده وارد کشور شود و به بالاترین قیمت به فروش رود و مابه‌التفاوت آن با سود معقول به عنوان مالیات به حساب دولت واریز شود. این امر در تمام دنیا دیده می‌شود، به طوری که اشیاء عتیقه و قالی‌های گران‌قیمت در مزایده‌های علنی از سوی شرکت‌ها در کشورهای صنعتی به فروش می‌رسند و دولت نیز در فروش آنها دخالت ندارد، بلکه به طور کامل نظارت می‌کند و مالیات حقه خود را کسب می‌نماید.

از نظر عرضه داخلی نیز باید ساختارهای تولیدی به نحوی تغییر یابد که تولیدات داخلی بتواند با

کالاهای قاچاق رقابت کند و به بازار عرضه شود. برای دستیابی به این امر باید موانع تولید برداشته شوند.

قاچاق در حقیقت پدیده‌ای است که معلول غلط بودن سیستم‌های تولیدی کشور است، نه کشتش تقاضا. کل مبارزه کشور با قاچاق کالا بر مبارزه با تقاضا استوار است، حال آنکه در بخش عرضه که همان تولید است، فعالیتی صورت نگرفته است. برای حل معضل قاچاق کالا باید تمام سعی خود را در بخش تولید به کار گیریم.

■ مشکل اصلی تولید که به قاچاق کالاهای وارداتی دامن می‌زند، چیست و چگونه باید مرتفع شود؟

۱- آمار نشان می‌دهد حدود یک‌دهم کالاهای قاچاق توسط مأموران دولت کشف می‌شود. از برخورد فیزیکی با قاچاقچیان کالا نتیجه مطلوبی به دست نمی‌آید، باید ساخت و ساز و کار تولید کالاها در کشور به نحوی پایه‌گذاری شود که تولیدات داخلی بتواند با کالایی که از بازارهای خارجی به طور قاچاق وارد می‌شود، رقابت کند و این امر کار آسانی

جمعیت زیر خط فقر هستند. فقر موجود در کشور، امنیت ملی را به خطر می‌اندازد و باعث اشتغال به کارهای غیرمولد چون تاجاق کالا می‌شود.

باید یارانه‌ها را قطع کرد، زیرا امنیت ملی را به خطر می‌اندازد و به نفع تاجاقچیان کالا و دشمنان اقتصادی ایران است. دشمنان اقتصادی ایران در داخل، تاجاقچیان کالا و در خارج کسانی هستند که ما را تحریم می‌کنند.

برای جلوگیری از تاجاق کالا به ایران، مبارزه فیزیکی اشتباه است. این امر با معلول مبارزه کردن است. در صورتی که باید به دنبال علت رفت. باید تولید را سروسامان بخشید و اشتغال در جامعه ایجاد کرد. اگر برای کالاهای خارجی در کشور تقاضا وجود دارد، باید دولت از طریق آزاد کردن ورود آن اجازه دهد عده‌ای آن کالا را وارد کنند و به صورت مزایده بفروشند، سپس دولت مالیات عده‌ای از آن بگیرد.

■ تأثیر تاجاق بر واردات و صادرات کالا به صورت مجاز چیست؟

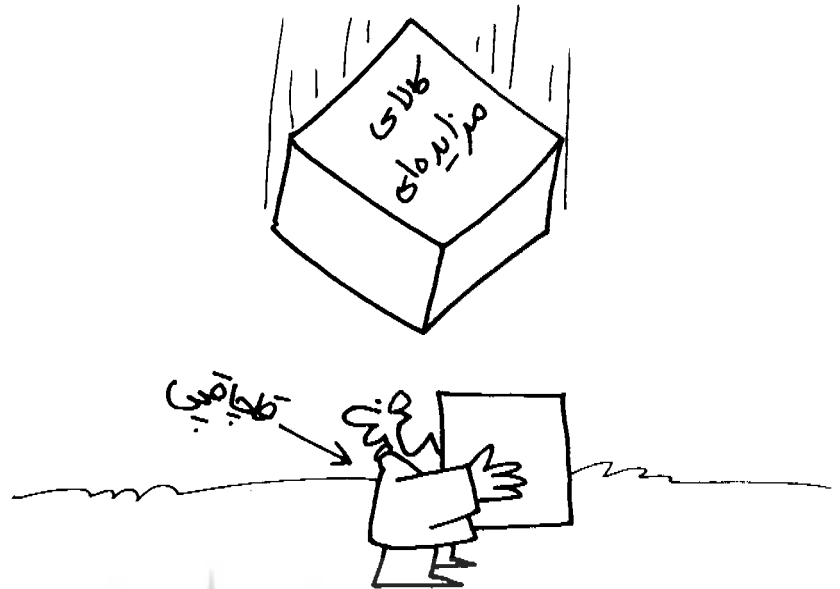
□ تاجاق اصولاً یک مالیات غیرعادی است. اقتصاد هر کشوری که دچار بحران تاجاق است، قبل از هر چیز آبرو و منزلت اجتماعی آن در جامعه تجارت جهانی از بین می‌رود. نمی‌توان به طور صوری با تاجاق مبارزه کرد. هم اینک عده‌ای در دبی بابت تاجاق کالا به ایران سودهای سرشاری می‌برند و بانک‌هایی که با آنها کار می‌کنند از میزان تاجاق کالا به ایران کاملاً مطلع هستند. این بانک‌ها نرخ اعتباری ایران را افزایش داده‌اند، اسناد اعتباری ایران را بی‌اهمیت تلقی می‌کنند و بانک‌های ایران را معتبر نمی‌شناسند. تاجاقچیان کالا آبروی اقتصادی ایران را برده‌اند.

■ مناطق آزاد ایران در زمینه ورود غیرقانونی کالا به کشور چه نقشی دارند؟

□ مناطق آزاد ایران گرفتار یک

این امر به هیچ وجه مشاهده نشده است. با این محاسبه ۱۰۵ میلیارد دلار

نیست. باید بنیان‌های تولید که در ایران مورد بی‌مهری واقع شده‌اند، تغییر یابند.



عقب هستیم. در نتیجه مشکل اصلی تولید زمانی قابل حل خواهد بود که به عوامل اصلی تولید که عبارت است از سرمایه و نیروی کار بتوان رسید.

هنگامی که این دو عامل یعنی «سرمایه» و «نیروی کار» در کشور مهیا نباشد، افراد به سوی تاجاق کالا و کارهای نامشروع می‌روند و نه تنها مالیات پرداخت نمی‌کنند، از دور فعالیت سالم اقتصادی نیز خارج می‌شوند.

به نظر من یکی از دلایل اصلی عدم توفیق در تولید، ناکارآمد بودن و ضایع ماندن سرمایه‌هایی است که در کشور وجود دارد و اکثر این سرمایه‌ها در شرکت‌های دولتی می‌باشند. مجموع این عوامل باعث می‌شود که مردم، سرمایه‌گذاری نکنند و سرمایه خارجی نیز جذب نشود. در نتیجه عده‌ای به کارهای غیرمولد چون تاجاق کالا می‌پردازند و عده‌ای نیز برای این کالاها تقاضا به وجود می‌آورند. این بنیان باید تغییر یابد، چون خلاف شرع و عدالت اجتماعی است. باید کل جامعه از سوسیالیسم تخیلی بیرون بیاید. در ایران حدود ۶ دهک

در ایران تسویدکننده را خادم نمی‌شناسند. قبل از آنکه یک واحد تولیدی کالای خود را به بازار عرضه کند، ارگان‌های مختلف دولتی از آن مالیات دریافت می‌کنند. چون درآمدهای تاجاق کالا جزو درآمدهای غیرقانونی است و مالیاتی بر آن تعلق نمی‌گیرد، دولت تمام فشار را روی تولیدکنندگانی که هنوز واحد تولیدی آنها به عرضه کالا نپرداخته، می‌گذارد و از آنان به عناوین مختلف مالیات دریافت می‌کند.

از سوی دیگر چون شرایط بازار کار رقابتی نیست، در نتیجه هزینه تولید بالا بوده و اشتغال‌آفرین نیز نمی‌باشد.

مشکل دیگر در سیستم تولید، تأمین سرمایه است. سیستم تولید در ایران زایش سرمایه ندارد، بلکه تضييع سرمایه دارد. به طور مثال از آغاز انقلاب اسلامی تا امروز حدود ۳۵۰ میلیارد دلار از فروش نفت، ارز وارد کشور شده است که اگر این سرمایه مولد بود، باید سالانه ۱۰ درصد استهلاک برای کشور کنار گذاشته شود، ۱۰ درصد مالیات به دولت بدهد و ۱۰ درصد سود به دولت پرداخت کند که

بازگیری سیاسی شده است. با این شیوه نمی‌توان مناطق آزاد ایجاد کرد. کسانی که مسؤول مناطق آزاد هستند، تخصص کافی در اداره آن ندارند. در حقیقت مناطق آزاد در ایران وجود دارد. مناطق آزاد قادر بود به نحوی عمل کند که آن بخشی از تقاضای جامعه که طالب کالایی که در داخل قاچاق محسوب می‌شود، از طریق مناطق جبران شود، در این فاصله مناطق آزاد ساخته شود و صنایع در آن احداث گردد و خود را برای رقابت در سطح جهان آماده کند، اما متأسفانه چنین چیزی انجام نشد. البته در این مناطق کارهای آبادانی صورت گرفته، اما اهداف اصلی آن پیاده نشده است.

■ آیا نیروهای انتظامی در مبارزه با قاچاق موفق هستند؟

□ نیروهای انتظامی و دولت در مبارزه با قاچاق کالا اگر آمادگی کامل داشته باشند، بیش از ده درصد کالاهای قاچاق به کشور رانمی‌توانند کشف کنند. مرز دریایی ایران در جنوب کشور ۲۵۰۰ کیلومتر است که برای کنترل کامل آن باید در هر ۱۰ کیلومتر یک قایق توپدار همراه با یک گروه مستقر کرد، یعنی در طول ساحل باید ۲۵۰ قایق توپدار چیده شود، در صورتی که چنین چیزی مشاهده نمی‌شود. اصولاً مبارزه فیزیکی با قاچاق کالا نتیجه‌ای در بر ندارد. باید در مبارزه با قاچاق نگذاریم سرمایه‌ها هزر رود. این سرمایه‌ها باید به سوی تولید و ایجاد اشتغال مولد به کار گرفته شود. برای مبارزه با قاچاق کالا باید در مرحله عرضه و تقاضای آن به طور همزمان و به صورت اقتصادی مبارزه کرد و در مجموع مرزها را برای جلوگیری از ورود کالای قاچاق کنترل نمود.

در مبارزه فیزیکی نیز باید بر راه‌های غیراصلی کنترل بیشتری صورت گیرد، در صورتی که راه‌های اصلی و فرودگاه‌ها همواره کنترل می‌شود و باعث نارضایتی مردم شده است. این امر باعث شده کسانی که می‌خواهند از طریق فرودگاه‌ها به کشور وارد شوند و سرمایه‌گذاری کنند،

با نارضایتی از سرمایه‌گذاری خود منصرف شوند. عملکرد دولت در کنترل فرودگاه‌ها و جاده‌های اصلی نه تنها جلوی قاچاق را نمی‌گیرد، بلکه فرار سرمایه‌ها و انسان‌ها را به دنبال دارد.

■ ورود کالای قاچاق تا چه حد به بنیة اقتصاد ملی لطمه وارد می‌کند؟

□ ساختار کالاهای قاچاق به نحوی است که تقاضاهای برآورد نشده را پاسخ می‌دهد. اگر در کشور یخچال نامرغوب تولید شود، باید مطمئن بود که یخچال نیز قاچاق می‌شود. عده‌ای از افراد جامعه توانایی آن را دارند وقتی کیفیت کالاهای داخلی مناسب نباشد، به خرید کالاهای خارجی روی آورند.

همین امر یعنی اینکه یک واحد تقاضا برای تولید داخلی از دست رفته است. باید به اندازه یک کاسب که وقتی یک مشتری را از دست می‌دهد، ناراحت می‌شود، دولت نیز باید هنگامی که یک تقاضاکننده کالای ایرانی را از دست می‌دهد، ناراحت شود. به نظر من باید نگران از دست دادن مشتری کالای داخلی بود، چرا که وقتی این مشتری از دست برود، در حقیقت یک شغل از دست رفته است. به طور مثال هر صد متر پارچه خارجی که به طور قاچاق وارد کشور شود، یک شغل از دست رفته است.

در اثر طرح «اقتصاد سوخته» انگلیسی‌ها در ۱۵۰ سال گذشته، عمده‌ترین تجار کشور در سواحل جنوبی به قاچاقچی تبدیل شده‌اند. تجار ایرانی به عمده قاچاق تبدیل شده‌اند. عده‌ای در آن سوی خلیج فارس، زندگی پرشکوهی برای خود ساخته‌اند، در صورتی که باید در هر ۵ کیلومتر ساحل جنوبی ایران یک فعالیت تجاری و صنعتی احداث شود. این فعالیت‌ها امروز صورت نگرفته است و چنانچه یک واحد تولیدی بخواهد در این نقاط احداث شود، تمامی سازمان‌های دولتی با آن مخالفت می‌کنند.

سیاست ملی ایران باید بر این اساس باشد که در هر ۵ کیلومتر ساحل جنوبی

واحدهای تجاری و تولیدی ایجاد شود، تنها در این صورت است که قاچاقچیان کلاً جرأت ورود به خاک ایران را نخواهند داشت، چون مردم آنها را خواهند راند.

■ آیا قاچاق، فرار سرمایه‌ها و ثروت‌ها را ایجاد می‌کند؟

□ تحقیقات نشان داده است به ازای هر ۱۵ تا ۳۰ هزار دلار کالای قاچاق یک شغل از دست می‌رود. در اثر قاچاق کالا، سرمایه و اشتغال از دست می‌رود. با مبارزه فیزیکی با قاچاق، سرمایه حفظ نمی‌شود و اشتغال ایجاد نخواهد شد. باید مجموعه امکانات در جهت مبارزه با قاچاق صرف تولید کالایی با کیفیت مناسب شود که اکنون به داخل قاچاق می‌شود. فاجعه قاچاق کالا در فیزیک قاچاق نیست، بلکه هزر رفتن انسان‌ها و سرمایه‌ها است.

■ آیا محدودیت ارزی کشور دلیلی بر وجود قاچاق کالا است؟

□ به نظر من به طور مطلق خیر. چرا که اگر کمبود ارز بود و یا ارز در کشور نبود، کالای قاچاق نمی‌توانست وارد شود. برای ورود کالای قاچاق باید ارز پرداخت شود. به نظر من مدیریت ارزی کشور ناصحیح است. باید سیاست‌ها طوری تدوین شود که ارز برای قاچاق کردن کالا جاذبه نداشته باشد.

وقتی تولیدکننده به جای اینکه ارز تشویقی دریافت کند، نسبت به قیمت بازار جریمه می‌شود، اما قاچاقچی کالا در ازای هر دلار کالایی که وارد کشور می‌کند، ۱۰ هزار ریال سود می‌برد، در حالی که تولیدکننده بابت هر دلار کالای صادراتی ۵ هزار ریال دریافت می‌کند، پس هر انسان عاقلی به شبکه قاچاق می‌پیوندد.

به طور کلی کمبود ارز باعث ایجاد قاچاق کالا نمی‌شود، بلکه مدیریت ارز باعث ایجاد قاچاق می‌شود. موضوع ارز یک موضوع اداری (بوروکراتیک) و سیاسی نیست، بلکه یک مسأله اقتصادی بسیار جدی است.